

ای ارتش‌های مسلمانان! آیا زمان آن نرسیده که دل‌های شما در برابر یاد الله سبحانه‌و‌تعالی و حق نازل‌شده خاضع گردد؟ آیا وقت آن نرسیده که بر قله عزت بایستید و بساط حکامی را که شما و امتان را به ذلت و خواری کشانده‌اند، برچینید؟ آیا هنوز در نیافته‌اید که امت اسلامی همان امتی است که می‌تواند بشریت را از این زندگی نکبت‌بار و تیره برهاند؟ آیا وقت آن نرسیده که باور کنید شما توان در هم شکستن غرب صلیبی استعمارگر، به پیغامی آمریکا، این سرکرده شرارت، را دارید؟ و می‌توانید بیت‌المقدس را آزاد، از رجز یهود پاک، و عدالت را در سراسر زمین جاری سازید؟



روزنامه سیاسی هفتگی

در این شماره می خوانید :

آمریکا میان راهبرد سلطه و نشانه‌های عقب‌نشینی؛ نگاهی به‌واقع و تحلیلی بر پیامدها ... ۲
چه معنایی پشت پرده حملات هوایی آمریکا به بندر نفتی راس عیسی در یمن نهفته است؟... ۲
طرح مارشال؛ تله‌نوش‌ها... ۳
اعتراضات «دست‌ان را کوتاه کنید!»؛ شورشی علیه نخبگان اقتصادی در آمریکا... ۴
سال نابودی طاغوت‌ها و شروط نصرت الهی... ۴

چهارشنبه ۲۰ آذرماه ۱۴۴۶ هـ. ق. ۳۰ آوریل ۲۰۲۵ ۱۰۰۴ دیهشت ۱۴۰۴ هـ. ش

مقاله برگزیده

دو سال از جنگ بیهوده؛ سودان به کجا می‌رود؟!

استاد ابراهیم عثمان (ابوخلیل)

ویسایات الجزیره نت در تاریخ ۲۴ آوریل ۲۰۲۵ گزارشی با عنوان «دست‌انورد دو سال جنگ سودان به روایت امار» منتشر کرد که در آن به ویرانی و نابودی تمامی ابعاد زندگی در سودان پرداخته‌شده است. در این گزارش آمده است: وزارت بهداشت سودان کشته شدن ۱۲ هزار غیرنظامی را که به بیمارستان‌های کشور رسیده‌اند، ثبت کرده است که این رقم تنها ۱۰ درصد از مجموع شمار کشته‌شدگان جنگ را تشکیل می‌دهد؛ درحالی‌که کمیته بین‌المللی نجات اعلام کرده است شمار قربانیان جنگ به ۱۵۰ هزار نفر رسیده که این عدد از آمار اعلام‌شده سازمان ملل متحد که حدود ۱۲۰ هزار کشته را تخمین زده، بیشتر است. دانشکده بهداشت عمومی لندن نیز در ماه نوامبر گذشته گزارشی منتشر کرد که در مرگ بیش از ۶۱ هزار نفر تنها در خارطوم، از آغاز درگیری‌ها در سودان تا ژوئن گذشته، خبر داده است که این رقم افزایش ۵۰ درصدی نسبت به نرخ مرگ‌ومیر پیش از جنگ را نشان می‌دهد. از میان این موارد، ۲۶ هزار مورد مرگ مستقیماً ناشی از خشونت‌های مرتبط با جنگ بوده است.

پس از گذشت دو سال از جنگ، سازمان بین‌المللی مهاجرت در هفته گذشته اعلام کرد که درگیری مسلحانه در کشور متجر به آوارگی بیش از ۱۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر شده است. در بخش خدمات نیز، گزارش اشاره‌ورده است که خسارات وارده به حدود ۱۱ میلیارد دلار رسیده است و از میان ۷۵۰ بیمارستان، ۲۵۰ بیمارستان از چرخه خدمات خارج‌شده‌اند. همچنین درگیری‌ها متجر به خروج بیش از ۶۰ درصد داروهای و انبارهای دارویی از مدار خدمت شده‌اند؛ با به علت غارت و یا به اثر آسیب و نابودی. در حوزه آموزش عالی، گزارشی رسمی که الجزیره نت به آن دست‌یافته، نشان می‌دهد که نزدیک به ۱۲۰ دانشگاه و کالج دولتی و خصوصی، به‌ویژه در ایالت خارطوم که حدود نیم میلیون دانشجو در آنجا تحصیل می‌کنند، زیرساخت‌های خود را تقریباً به‌طور کامل از دست‌داده‌اند. همچنین شش دانشگاه در ایالت‌های مختلف تخریب‌شده‌اند که چهار دانشگاه از آن‌ها در دارفور قرار دارند.

اما در حوزه آموزش عمومی، واحد باعث شده است که بیش از ۱۷ میلیون کودک از مدرسه‌ها بازمانده و به مناطق آوارگی و پناهندگی رانده شوند؛ این رقم افزوده می‌شود به ۶ میلیون و ۹۰۰ هزار کودک که بیش از جنگ، در مناطق آواره‌نشین و دیگر مناطق، ترک تحصیل‌کرده بودند. این وضعیت تا زمانی ادامه داشت که مدرسه‌ها در ایالت‌های امن که ارتش مجدداً کنترل آن‌ها را در خارطوم، الجزیره، سنار، شهرستان‌های در شمال کردگان و نیل سفید به دست گرفته، فعالیت خود را از سر گرفتند.

در خصوص افراد مفقود، هیچ آمار موثقی وجود ندارد، اما گروه سودانی دفاع از حقوق و آزادی‌ها شمار آن‌ها را حدود ۵۰ هزار نفر برآورد کرده است.

در مورد خشونت جنسی، واحد مبارزه با خشونت علیه زنان در سودان که یک نهاد دولتی است، از ثبت ۱۱۳۸ مورد تجاوز جنسی در مناطق تحت کنترل نیروهای پشتیبانی سریع، از آغاز جنگ تا فوریه گذشته خبر داده است. (همچنین در ماه مارس گذشته، مشقود کودک‌ها سازمان ملل یونیسف اعلام کرد که از ابتدای سال گذشته تاکنون، ۲۲۱ مورد تجاوز به کودکان را ثبت کرده است.

اما زیاده‌های اقتصادی، بنا بر مطالعه‌ای جدید که توسط نهادهای رسمی تهیه‌شده، ویرانی و خساراتی که اقتصاد سودان در اثر جنگ تحمل‌شده، حدود ۱۰۸ میلیارد دلار برآورد شده است. وزارت کشاورزی و جنگ‌داری خسارت‌های وارده به بخش کشاورزی در طی دو سال جنگ را بیش از ۱۰ میلیارد دلار اعلام کرده است. در این مدت، دارایی‌ها از جمله تجهیزات مکانیکی و حرکتی تخریب یا غارت‌شده‌اند و تمامی ایستگاه‌های تحقیقاتی کشاورزی نابودشده‌اند. همچنین یک گزارش رسمی نشان داد که تخریب ناشی از جنگ، ویرانی و خسارت‌ها غارت توسط نیروهای پشتیبانی سریع ۹۰ درصدی از بخش صنعت را تحت تأثیر قرار داده است. ۳۴۹۳ واحد صنعتی شامل صنایع بزرگ و متوسط در ایالت خارطوم و نیز ایستگاه‌های گردان جنگ و جویوب، الجزیره اسپیددیاند. بیش از ۲۵۰ هزار کارگر در این بخش مشغول به کار هستند و زیاده‌های این بخش حدود ۳۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. در بخش زیرساخت‌های عمومی مربوط به هوانوردی غیرنظامی، خسارت‌های سنگینی به فروگاه‌ها، هواپیماهای مستقر، تجهیزات پشتیبانی زمینی، برج‌های مراقبت، سالن‌های مسافری و انبارهای کالا وارسیده شده است. مجموع این خسارات بالغ بر ۳۳ میلیارد دلار برآورد شده است.

ادامه صفحه ۳

پیشویی که هرگز به پیرانش دروغ نمی‌گوید

تانیاهو و کابوس خلافت!

مهندس باهر صالح



پنجاهمین تانیاهو، نخست‌وزیر بود، روز چهارشنبه ۲۳ آوریل اما این نادران با دو چالش روبه‌روست که همواره در گفت: «دولت او هرگز از تحقق پیروزی در جنگ دست نداشت برای غلبه بر آن‌هاست؛ چالش نخست مربوط به نتایج کشته‌شد و افزود: «ما بر بازگرداندن گروگان‌ها اصرار پایگاه مردمی و ملت یهودی است که بهای جنگ را با جان داریم و اجازه نخواستیم داد هیچ خلافت اسلامی نه در شمال، سربازان، امنیت و اقتصاد می‌پردازد؛ و چالش دوم مربوط به در جنوب و نه در هیچ جای دیگری برپا شود.» و گفت: به افکار عمومی جهانی، حمایت غرب از او و توان رهبران «اگر نتوردها بر ما پیروز شوند، جهان غرب هدف بعدی غربی در ادامه این حمایت است. آن‌ها خواهد بود» و این نخستین بار نیست که تانیاهو لکدا، هنگامی‌که او درباره تغییر چهره خارومیانه سخن خلافت را به‌عنوان خطری یاد می‌کند که برای جلوگیری از می‌گوید و این سخن را بارها تکرار می‌کند. با آن‌که تحقق آن می‌چند، بلکه این دومین بار در همین هفته و می‌داند اگر حمایت مستمر غرب از رژیمش نبود، هرگز سومین بار در طول جنگ علیه غزه است، هرچند با الفاظ می‌نویسند به جنگش علیه غزه یا هیچ جبهه دیگری و ساختاری یکسان نبوده، اما با معانی مشابه تکرار شده ادامه دهد و با آن‌که می‌داند تا این لحظه وارد هیچ جنگی است. پس چه چیزی اخیراً او را واداشته که بر این موضوع با حتی به ارتش از ارتش‌های مسلمانان شده است تمرکز کرده و آن را به‌عنوان نگرانی مطرح می‌کند که باید و فقط با گروه‌هایی می‌کند که جز اندکی تجهیزات و از آن جلوگیری کرد؟ و آیا این مسئله نگرانی‌های این سخنانی گوئی در هفت جبهه می‌چند؛ چراکه این سخنان را خطاب برورده جنگ علیه غزه دارد و نشانه‌های خود این سخنانی خود این سخنانی خود و پیگاه مردمی‌اش بیان می‌کند تا چیست؟

این پرسش‌ها و دیگر مسائل، موضوعاتی هستند که در این آن‌ها را قریب دهد و به آن‌ها بپردازد که او فردی قوی، مقاله کوتاه تلاش می‌کند به آن بپردازد؛ جبهه در حال نبرد است، از این رو اهدافی بزرگ است تا جایی که در هفت آن‌ها ابتدا روشن است که دشمنان الله سبحانه‌و‌تعالی، جبهه در حال نبرد است، از این رو اهدافی بزرگ است تا جایی که در هفت تانیاهو، پس از آن‌که فربس مواضع حکام مسلمان مزدور چنین اهداف و دستاوردهای بزرگی بی‌مانع است، چنانکه او، خورد، دچار شده قدرت و پیروزی شده است، حکامی که وزیر دفاع او، کانسی، چند روز پیش به آن تصریح کرد. امت و ارتش‌هایشان را از بنای فلسطین، لبنان، یمن و سوریه اما وقتی درباره کابوس خلافت سخن می‌گوید و می‌گوید: بازداشتند؛ پس او را رها کردند تا به‌یاران کند، بشود، ویران «اگر نتوردها بر ما پیروز شوند، جهان غرب هدف بعدی کند، پسوزاند. آواره کند و تهدید کند و حتی یک‌سره، ویران «اگر نتوردها بر ما پیروز شوند، جهان غرب هدف بعدی هواپیمای، کشتی جنگی یا تانک را به حرکت درنیاورند؛ بلکه به‌ویژه اسلام قاصی و باب در سایه خلافت، کابوس بزرگ او را در محاصره اهل غزه یاری کردند و با پول، غذا، لباس و غیره در این منطقه است، با این سخن در حقیقت چنین سلاح پشتیبانی‌اش نمودند. پس او گمان کرد که امت ضعیف و ناتوان می‌کند که اگر جانی‌اش و جنگش علیه زنان، است و می‌تواند بدون آن‌که چنین مانعش شود، به ارتش ادامه دهد، نتیجه آن برپایی خلافتی در منطقه خواهد و خواست‌هایش برسد تا زمانی که از حمایت ملکی و مستمر در منطقه است، پس او را در واقع خطاب به جهان خارج بیان اما بی‌تدرید، این شده و احساس قدرت، او را از در می‌کند.

واقعیت و حقیقت ناتوانی رژیمش به‌نهایی در تقی زیرا او می‌داند که جنبش‌های مقاومت در غزه یعنی در آرزوهایش بازنده‌است؛ زیرا پس از آن‌که اساس جنوب و حزب ایران در لبنان یعنی در شمال و همچنین کرد آمریکا می‌خواهد در مبارزه با اسلام در منطقه بر رژیم خود و یمن را حاکمان جدید سوریه و خود ایران، او تکیه کند و تصمیم به کاهش نقش ایران گرفته و هیچ‌کدام خواستار خلافت راشده نیستند و در پی برپایی گاه‌های در این مسیر برداشته، اکنون خود را غزه آماده متافع آن می‌پندارد، اما او جنگ و خشونت‌هاش را در قالب هراس و طرح‌های عرب، به‌ویژه آمریکا، در مبارزه با اسلام در منطقه غرب از میان رهبران و نخبگان سیاسی آن‌ها برنظام جهان می‌بندد و مانع‌شدن از توانایی مسلمانان ریشه دارد، مطرح می‌کند تا از این طریق حمایت و تأیید برای بازپس‌گیری سلطه‌شان و برپایی خلافتشان را هدف آن‌ها را برای تجاوزاتش به غزه و نیز مخالفتش به لبنان، قرار داده است.

ادامه صفحه ۳

حزب‌التحریر / ولایت لبنان:

«از بیروت تا غزه، ارتش‌های امت، یاوران الله سبحانه‌و‌تعالی باشی»

صداه نگر از جوانان و هواداران حزب‌التحریر در ولایت لبنان، در تجمعی اعتراضی که حزب پس از نماز جمعه ۲۵ آوریل ۲۰۲۵ میلادی در شهر بیروت مقابل مسجد محمد الامین برگزار کرد، شرکت کردند. این تجمع با عنوان «از بیروت تا غزه، ای ارتش‌های امت، یاوران الله سبحانه‌و‌تعالی باشی» برگزار شد و در آن، کارکنان و مأموران درخواس برای به‌حرکت درآوردن ارتش‌ها، سرنگونی حکومت‌های طاغوت و یاری‌رساندن به غزه طریق جهاد و سلاح، برافراشته‌شد. شرکت‌کنندگان همچنین شعارهایی در حمایت از غزه سر دادند. از جمله: «نه ابزار تجاوز می‌خواهیم و نه محبوسیت، قبیله را دوباره می‌خواهیم» و «ای ارتش‌های مسلمان، برای یاری این دین عزیزید» و «دائم‌الجهاد می‌باشیم» و «ایستاد محمد ابدالله، سخنرانی تأثیرگذاری ایراد کرد که در آن ارتش‌های مسلمانان را به اقتدا به پیشینیان یاری‌دهنده دین الله سبحانه‌و‌تعالی فراخواند و تأکید کرد که غزه و سراسر فلسطین، مسلمانان اسلامی است که راحل آن، به حرکت درآوردن ارتش‌ها و جهاد با یهود است. او تأکید کرد که این امر تنها از طریق سرنگونی طاغوت‌ها، وحدت سرزمین‌های اسلامی، برپایی خلافت و بسط ارتش‌ها محقق می‌شود. وی همچنین به اظهارات تانیاهو مبنی بر این‌که یهود اجازه نخواهند داد خلافتی در سواحل مدیترانه برپا شود، اشاره کرد و یادآور شد که برپایی خلافت، واجبی شرعی بر مسلمانان است و وعده‌ای از سوی الله سبحانه‌و‌تعالی که هیچ‌کس قادر به تحقق آن نخواهد بود.



ای اهل کنانه، با کتاب الله سبحانه‌و‌تعالی شما را خطاب می‌کنیم

در سخنرانی که حزب‌التحریر در سرزمین مبارک فلسطین در برابر کنسولگری مصر در شهر رام‌الله ایراد کرد، پس از ستایش الله سبحانه‌و‌تعالی و درود و سلام بر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و بر خاندان و یارانش و کسانی که از او پیروی کردند، خطاب خود را به اهل کنانه چنین آغاز کرد: ای اهل ما و برادران ما در مصر کنانه، ای ارتش بزرگ مصر، درهم‌شکننده ملیپها و تانارها!

خانه‌هایمان ویران‌شده، بیمارستان‌ها نابود گردیده، مدارس بمباران‌شده، چادرها به آتش کشیده شده و مساجد با خاک یکسان شده‌اند. ما را در حال رکوع و سجده شگفتند. پس از آن چه چیزی باقی‌مانده است؟

همانا دشمنان الله سبحانه‌و‌تعالی، بیود، از ما می‌خواهند که تسلیم شویم، ذلت بخیزیم و از سرزمین معراج پیامبر هست دست‌داریم. پس شما چه خواهید کرد؟

او با لحنی شگفت‌نده پرسید: آیا مرزهای سلیکسیکو مقدس‌تر از مسجدالاقصی شده‌اند؟ آیا مرزهایی که در دشمنانان ترسیم کرده‌اند از اسلام مقدس‌تر گشته‌اند؟! آیا آن مرزها نزد شما عزیزتر از خون مسلمانانند؟! ای اهل و برادران ما، آیا زندگی برای شما گوارا است درحالی‌که برادرانتان کشته و گرسنه می‌موشند و حتی از نوشیدن جرعه‌ای آب محروماند؟

سپس بیان کرد که وضعیت امروز مصر همانند وضع آن در دوران اشغال ملیپها بر فلسطین است و اینکه آزادسازی مسجدالاقصی و پاکسازی سرزمین مبارک از پلیدی یهود جز با آزادسازی مصر از کسانی چون شرمام و شاور ممکن نیست؛ زیرا مصر امروز به ارتش‌هایی لیبی نیاز دارد که سیره صلاح‌الدین را زنده کند تا ارتش مصر، همان‌گونه که پیش‌تر در طین و عین جالوت اقتضای آزادسازی مسجدالاقصی را به دست آورد، این اقتضای را بار دیگر نصیب خود کند.

در پاسخ به اینکه چرا خلافت منوجه اهل مصر و ارتش آن است که سیاسی و نظامی، چنین گفت: ای اهل مصر و ای سربازان نیکوکار آن، اگر می‌دانستیم که نظام حاکم در مصر از کلمات تأثیر می‌پذیرد و غیرت او را برمی‌انگیزد تا به یاری غده درمصر بفریزد، درنگ نامه را به به سفارت مصر می‌دادیم و آن را تسلیم می‌کردیم؛ اما شما همان‌گونه که ما می‌دانیم، می‌دانید که نظام حاکم در مصر شریک یهود در محاصره غزه است، و نه آن جنس شمشیت، که غیرت نامه را دارد و نه هیچ‌گونه میانجیگری از شما دارد. ازاین‌رو ما از او عبور می‌کنیم و او موجود نمی‌گازیم و خطاب خود را از برابر سفارت به اهل مصر می‌فرستیم، به آن نظام چنانکار.

وی تأکید کرد که آزادسازی مسجدالاقصی شرافتی عظیم است که به بزدلان و نه مزدوران به آن تامل نمی‌شوند و یاری مقاومتان و فریادرس‌ی می‌انند از کسانی انجام نمی‌دهند که «العربی» را بر اهل غزه مسلط کرده تا از آنان باز بگذرد و نه آنان که ارتش مصر را به تخریب کشیده‌اند، در دلش درس افکندند و از جهاد در راه الله سبحانه‌و‌تعالی و یاری برادرانش بازداشته‌اند.

همانا آزادسازی مسجدالاقصی جز به دست فرماندهی که مؤمنان را به جهاد در راه الله سبحانه‌و‌تعالی تشویق می‌کند، ارتش را با قدرت، اراده و ایمان نیرو می‌بخشد، امت را برای یاری دین بی‌پایانگیز و فساد را در میانشان ریشه‌کن می‌سازد، امکان‌پذیر نیست.

حزب‌التحریر در سرزمین مبارک فلسطین سخنرانی خود را در برابر کنسولگری مصر در رام‌الله با این کلمات به پایان رساند: همانا جهاد برای آزادسازی معراج‌گاه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فوکه‌کردن واجب است؛ راه جات از عذاب دردناک، راه آمرزش، ورود به بهشت، راه پیروزی و فتح نزدیک است. پس همت کنید، تصمیم بگیرید و به‌سوی عزت گام بردارید. نه فتاوی سلاطین گوش بسپارید و نه فریب رسانه‌ها را بخورید. زنجیرهای حاکمان را از خود باز کنید و از استعمارگران ترسید. این کتاب الهی را در میان شماست و ما

با ندای الله سبحانه‌و‌تعالی شما را می‌خوانیم: «یا ایها الایمن أقموا یا لکم اثم اقل لکم انقروا فی سبیل الله انقائم الی الارض ارضیتم باقیة الایمن من الاثره فما غلب الایمنه الذین قوما باخیره لا قلیل» یا لتفروا یعدکم عذاب الیما ویستبدل قوما یغزکم و لا تفرؤوه شیئا والله علی کل شیء قذیر» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ شما را چه شده است که وقتی می‌شاهت می‌موشد در راه الله سبحانه‌و‌تعالی حرکت کنید، سستی به خرج می‌دهید؟ آیا به زندگی دنیا پیش از آخرت را به بسته‌اید؟ درحالی‌که بهره زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست» اگر کج می‌نویسند که الله سبحانه‌و‌تعالی شما را به عذاب دردناک عذاب خواهد داد و گروهی دیگر را به‌جای شما خواهد آورد، درحالی‌که شما هیچ رانی به او نمی‌رسانید و الله سبحانه‌و‌تعالی بر هر کاری تواناست.

آمریکا میان راهبرد سلطه و نشانه‌های عقب‌نشینی؛ نگاهی به‌واقع و تحلیلی بر پیامدها

استاد سامر دهشه (ابوعمر)



زمانی که تلاش می‌کنیم واقعیت را آن‌گونه که هست درک کنیم، تحلیل واقعیت اقتضا می‌کند که آن را با چشمانی عاری از آرزوها ببخوانیم. نه آن‌که خواسته‌های خود را بر آن تعمیم کنیم. تلاش برای فهم سیاست‌های آمریکا و دلایل تحرک آن، به‌خودی‌خود موضوعی مستقل است؛ اما تحلیل میزان موفقیت یا شکست آن و آنچه مانع یا پشتیبان آن است، سوره‌ای کاملاً جداگانه است که نباید با تحلیل واقعیت خلط شود؛ چراکه فهم واقعیت یک‌چیز است و آینده‌نگری چیزی کاملاً متفاوت.

این دیدگاه ناشی از باوری است که آمریکا بر پایه طرحی بلندمدت و منسجم عمل می‌کند؛ طرحی که بر فهم دقیقی از منافع و توانایی‌های استوار است و با آن‌که نتایج این راهبرد هنوز قطعی نیست، اما ثبات اهداف در دولت‌های مختلف آمریکا امری محسوس است.

آیا آمریکا در پروژه خاورمیانه جدید موفق بوده است؟ برپرسش درجه‌ای گسترده به روی تفسیرهای گوناگون می‌گشاید. چراکه ارزیابی موفقیت یا شکست، تابع زاویه دید گزیده است و از همین‌جا تفاوت دیدگاه‌ها پدید می‌آید:

دیدگاه نخست: آمریکا شکست‌خورده است؛ زیرا با وجود گذشت بیش از دو دهه، نتوانسته پروژهایش را به اتمام برساند و ناچار شده است چندین بار ابزارهایش را به‌دلیل شکست‌های مکرر تغییر دهد.

دیدگاه دوم: تغییر توازن‌های جهانی و ظهور قدرت‌های رفیع، باور به توانایی آمریکا در دستیابی به اهدافش را تقویت می‌کند. دست‌کم به همان شکلی که در گذشته طرحی شده بود.

دیدگاه سوم: شکست را نمی‌توان گزینشی نهایی دانست، زیرا پروژه‌هایی با اهداف پیچیده و زمان‌بر، به معیار موفقیت سریع‌سنجیده نمی‌شوند و آمریکا، علی‌رغم نشانه‌های عقب‌نشینی ظاهری، همچنان قدرت نخست جهان است و در پروژه‌اش در حال پیشروی تدریجی است؛ به‌ویژه از طریق ابزارها و دولت‌ها و منافع درهم‌تنیده در خاورمیانه؛ مانند رژیم بی‌هود، ایران و ترکیه.

در میان این دیدگاه‌های مختلف، نه حق مطلق وجود دارد و نه باطلی مطلق. زاویه‌ای که از آن به معنه نگرشسته می‌شود و پیامی که قصد رساندن آن وجود دارد، ارزیابی نهایی را تعیین می‌کند.

کسی که بخواهد بر صف آمریکا به‌عنوان امپراتوری‌ای در حال افول تأکید کند، بر تاسیساتی ابراهیمی، تناقض سیاست‌هایش و تغییر مکرر در روش‌هایش تمرکز خواهد کرد؛ اما کسی که بخواهد توانایی واقع‌گرایانه‌اش را در دهه، به توانایی آمریکا در جذب شکست، اصلاح مسیر و تداوم در تحقق اهدافش با وجود چالش‌ها اشاره خواهد کرد.

ایجاد خط‌مهر مرحله گزینی آشکار می‌شود؛ زیرا امپراتوری‌ای که در حال فروپاشی است، درده‌فوق‌تر می‌شود. از اصولی که باید پایبند بوده دست می‌کشد، وارد رویارویی‌های مستقیم می‌شود و دشمنان خود را به مرز پرتگاه می‌راند. آن‌که از بلندی سقوط می‌کند، دیگران را نیز با خود به سقوط می‌کشد.

میان بازسازی ساختاری و انفجار معکوس بازسازی ساختار سایکس‌پیکو قدیم در راستای ایجاد خاورمیانه‌ای جدید موفق بوده است و همچنان به‌یغیرد این پروژه متغذی ادامه می‌دهد؛ پروژهای که با تکیه بر مثلث نفوذ، رژیم بی‌هود، ایران و ترکیه، دنبال می‌شود.

اما این خاورمیانه جدیدی که آمریکا در تلاش برای شکل‌دهی به آن است، ممکن است به جرقه‌ای برای انفجار معکوس تبدیل شود؛ به‌ویژه اگر ملت‌ها و ارزش‌های علیه سلطه آمریکا و این پروژه جدید به حرکت درآیند.

زخم تحقیر می‌تواند به انفجار بینجامد و تاریخ سرشار از چنین نمونه‌هایی است. با پیشرفت ابزارهای ارتباطی و افزایش آگاهی عمومی، ملت‌ها دیگر مانند گذشته نیستند و کنترل آن‌ها نیز همانند قبل ممکن نیست. از این‌رو، سیاست‌های متکبرانه و مبتنی بر برآوردهای نادرست، ممکن است واقعیتی جدید و پیش‌بینی‌نشده را پدیدآورند. از الله سبحانه‌و تعالی می‌خواهیم که مگرشان را به خوششان بازگرداند.

تغییر راهبردهای آمریکا، از یک‌قطبی‌گرایی به مشارکت پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا راهبرد قدرت تک‌قطبی را در پیش گرفت؛ اما خیلی زود متوجه هزینه‌های سنگین این رویکرد شد و همین امر موجب شد که در راهبرد خود بازنگری کند.

دولت‌های بوش پدر و بوش پسر تلاش کردند پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، یک‌قطبی‌گرایی آمریکا را تثبیت کنند؛ اما این سیاست نتوانست در برابر بار سنگین آن تاب بیاورد.

دولت بایدن میدان رویارویی را به اروپا منتقل کرد و روسیه را به‌طور مستقیم هدف قرار داد. او تا حد زیادی در فرسایش طرف‌ها موفق بود و نظام بین‌المللی را به لرزه درآورد تا مقدمات بازآفرینی آن فراهم شود.

به‌گونه‌ای که موفقیت آمریکا به‌عنوان قدرت مرکزی حفظ گردد.

چنگ غزه، افشاگر سیاسی و رسوایی اخلاقی جنگ غزه، رزنی سیاست آمریکا را برما کرد؛ سیاستی که بدون هیچ قید و شرطی از رژیم بی‌هود در تجاوز وحشیانه‌اش و نسل‌کشی علیه ملت فلسطین حمایت می‌کند.

غزه به‌گونه‌ای اسطوره‌ای ایستادگی کرد؛ ایستادگی‌ای در محاسبات طراحان راهبردی، نه در واکنش و نه در تلاویق. جای ندانست. شکست آن‌ها در تحقق اهدافشان، این جنگ را به نقطه عطفی در آگاهی نظامی و جهانی تبدیل کرد.

تجوات اخیر: ترامپ دوباره و نشانه‌های فروپاشی سپس، تقدیر الهی یا بیماری بایدن و وخت ناگهانی وضعیت ذهنی او در آستانه انتقادات فرارسید؛ امری که ساختار دولت آمریکا را بار دیگر، این‌بار تحت مدیریت ترامپ، بازآرایی کرد ولی این‌بار او در قامت «برگی سوخته» و شاید «قریانی مرحله‌ای جدید» ظاهر شد؛ صف اقتصادی آمریکا آشکار شد و نشانه‌های فروپاشی با بدیهی‌های که از ۳۶ تریلیون دلار فارغی رفته، نمایان شد. همین امر دولت ترامپ را به اتخاذ تصمیماتی سخت‌گیرانه، خوسرانه، جسورانه و درخشان خطرناک واداشت.

سخن پایانی: میان سلطه‌جویی و فروپاشی... چه کسی ظفا آینده را پر خواهد کرد؟

اکنون نمی‌توان با قطعیت درباره موفقیت یا شکست آمریکا سخن گفت، زیرا تصویر هنوز کامل نشده است؛ اما آنچه مسلم است، این است که آمریکا به‌عنوان یک امپراتوری در حال فروپاشی، در حال بازی با کارت‌هایی خطرناک است؛ کارت‌هایی که ممکن است جایگاهش را تثبیت کنند، یا آن را به‌کل ساقط سازند و چه بسا جهان را به‌وسیله هرج‌ومرجی بی‌سابقه سوق دهد.

از دیدگاه ما به‌عنوان مسلمانان و اندیشمندان سیاسی، این لحظه تاریخی مسئولیتی بزرگ را بر دوش ما می‌گذارد؛ مسئولیتی که ایجاب می‌کند برای ساختن جایگزینی واقعی که بتواند ظفا آینده را پر کند، آماده شویم.

از الله سبحانه‌و تعالی می‌خواهیم که برای ما راهی روشن فراهم سازد و برای این امت گشایشی شایسته منزلت و جایگاهش رقم زند.

چه معنایی پشت پرده حملات هوایی آمریکا به بندر نفتی رأس عیسی در یمن نهفته است؟

مهندس شفیق خیس و ولایت یمن

همچنین، این دیده‌بان از نهادهای بین‌المللی تصمیمی خواست تا تحقیقاتی فوری و مستقل در مورد این حمله آغاز کرده، عاملان آن را تحت پیگرد قانونی قرار دهند و عدالت را برای قربانیان و خانواده‌هایشان تأمین نمایند. شورای روابط آمریکایی اسلامی (CAIR) نیز به‌شدت حملات هوایی آمریکا را که شب جمعه علیه یمن انجام شد و بندر رأس عیسی را هدف گرفت، محکوم کرد و این حمله را «جانبیت جنگی» توصیف نمود.

آمریکایی اسلامی (CAIR) نیز به‌شدت حملات هوایی آمریکا را که شب جمعه علیه یمن انجام شد و بندر رأس عیسی را هدف گرفت، محکوم کرد و این حمله را «جانبیت جنگی» توصیف نمود.

این حملات هوایی آمریکا به بندر نفتی رأس عیسی تنها یک روز پیش از آغاز دوم دور مذاکرات میان آمریکا و ایران درباره پرونده هسته‌ای‌اش صورت گرفت. هدف قرار دادن بندر رأس عیسی در یمن، در نهایت پیامی به تهران است، برای واداشتن نیروهای تابع آن به عقب‌نشینی و رها کردن برنامه هسته‌ای، همان‌طور که در سال ۲۰۱۵



مسلطه‌ای که در محکومیت‌های گسترده داخلی و رخ داد. همچنین نمی‌توان از تأثیر اقتصادی این حملات بین‌المللی نمایان شد. وزارت تغییر و سازندگی در منعا، بر حوثی‌ها چشم‌پوشی کرد؛ چراکه با نابودی تأسیسات عیسی در روز جمعه ۱۸ آوریل اعلام کرد: «این جانبیت، مجازاتی سوخت در بندر رأس عیسی، آن‌ها از منبع اصلی تأمین جمعی علیه ملت و نقض آشکار حاکمیت و استقلال یمن مالی فعالیت‌هایشان محروم شدند. قطع این منبع باعث است» مجلس نمایندگان نیز در بیانیه‌ای که همان روز کمبود در تأمین سوخت خواهد شد و عملکرد بخش‌هایی منتشر کرد گفت: «هدف‌گیری تأسیسات غیرنظامی، مانند برق، کشاورزی و بهداشت را نیز تحت تأثیر قرار نقض قوانین بین‌المللی و انسانی است» مجلس شورا خواهد داد. این فشار اقتصادی نیز ابزاری است برای نیز در بیانیه‌ای در همان روز از جامعه بین‌المللی و در واداشتن حوثی‌ها به پذیرش خواسته‌های سیاسی رأس آن شورای امنیت خواست که مسئولیت‌های قانونی آمریکا.

انسانی خود را به‌عهده گیرند. دفتر سیاسی حوثی‌ها این حملات تنها سیزده روز پس‌از آن صورت گرفت که نیز در بیانیه‌ای هم‌زمان با بیانیه‌های پیش‌گفته طبقه‌بندی حوثی‌ها به‌عنوان یک گروه تروریستی، در اعلام کرد: «این تجاوز، هرچه بیشتر، چهره دروغین پیجم آوریل جاری اجرایی شد.

انسان‌دوستانه غرب و به‌اصطلاح جامعه بین‌المللی را کشاورزی و بهداشت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. برما می‌سازد» مرکز حقوق بشر یمن نیز در بیانیه‌ای این فشار اقتصادی نیز ابزاری است برای واداشتن از جامعه بین‌المللی، سازمان ملل متحد و نهادهای حوثی‌ها به پذیرش سیاست‌های سیاسی آمریکا.

حق در بیانیه‌ای هم‌زمان با بیانیه‌های پیش‌گفته طبقه‌بندی حوثی‌ها به‌عنوان یک گروه تروریستی، در اعلام کرد: «این تجاوز، هرچه بیشتر، چهره دروغین پیجم آوریل جاری اجرایی شد.

انسان‌دوستانه غرب و به‌اصطلاح جامعه بین‌المللی را کشاورزی و بهداشت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. برما می‌سازد» مرکز حقوق بشر یمن نیز در بیانیه‌ای این فشار اقتصادی نیز ابزاری است برای واداشتن از جامعه بین‌المللی، سازمان ملل متحد و نهادهای حوثی‌ها به پذیرش سیاست‌های سیاسی آمریکا.

انسان‌دوستانه غرب و به‌اصطلاح جامعه بین‌المللی را کشاورزی و بهداشت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. برما می‌سازد» مرکز حقوق بشر یمن نیز در بیانیه‌ای این فشار اقتصادی نیز ابزاری است برای واداشتن از جامعه بین‌المللی، سازمان ملل متحد و نهادهای حوثی‌ها به پذیرش سیاست‌های سیاسی آمریکا.

انسان‌دوستانه غرب و به‌اصطلاح جامعه بین‌المللی را کشاورزی و بهداشت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. برما می‌سازد» مرکز حقوق بشر یمن نیز در بیانیه‌ای این فشار اقتصادی نیز ابزاری است برای واداشتن از جامعه بین‌المللی، سازمان ملل متحد و نهادهای حوثی‌ها به پذیرش سیاست‌های سیاسی آمریکا.

انسان‌دوستانه غرب و به‌اصطلاح جامعه بین‌المللی را کشاورزی و بهداشت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. برما می‌سازد» مرکز حقوق بشر یمن نیز در بیانیه‌ای این فشار اقتصادی نیز ابزاری است برای واداشتن از جامعه بین‌المللی، سازمان ملل متحد و نهادهای حوثی‌ها به پذیرش سیاست‌های سیاسی آمریکا.

انسان‌دوستانه غرب و به‌اصطلاح جامعه بین‌المللی را کشاورزی و بهداشت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. برما می‌سازد» مرکز حقوق بشر یمن نیز در بیانیه‌ای این فشار اقتصادی نیز ابزاری است برای واداشتن از جامعه بین‌المللی، سازمان ملل متحد و نهادهای حوثی‌ها به پذیرش سیاست‌های سیاسی آمریکا.

انسان‌دوستانه غرب و به‌اصطلاح جامعه بین‌المللی را کشاورزی و بهداشت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. برما می‌سازد» مرکز حقوق بشر یمن نیز در بیانیه‌ای این فشار اقتصادی نیز ابزاری است برای واداشتن از جامعه بین‌المللی، سازمان ملل متحد و نهادهای حوثی‌ها به پذیرش سیاست‌های سیاسی آمریکا.

قانون «تنظیم فتوا» در مصر خدمتی به نظام است، نه به دین!

در گامی که ماهیت نظام مصر را در مصادره دین و به خدمت گرفتن آن برای حکمران آشکار می‌سازد، دولت مصر با پیش‌بویس قانونی جدید با عنوان «تنظیم فتوا» موافقت کرد. این قانون با هدف مجازات افراد غیرمتمصلص در صدور فتوا تدوین‌شده است و مجازاتی تا شش ماه زندان و جریمه‌ای به مبلغ صد هزار پوند را در نظر گرفته و رسانه‌های شبکه‌ای اجتماعی را موظف می‌سازد که تنها فتواهای منتشر کنند که از سوی نهادهای تعیین‌شده از طرف نظام صادرشده باشند؛ این نهادهای عبارتند از: هیئت علمای بزرگ، دارالافتا، مجمع تحقیقات اسلامی و کمیته‌های وزارت اوقاف و در صورت تعارض میان فتاوا، این هیئت علمای بزرگ ترجیح داده خواهد شد.

در نگاه نخست، ممکن است این قانون تلاشی برای کنترل هرج‌ومرج و مقابله با افراد فاقد صلاحیت در صدور فتوا به نظر برسد، اما با تأمل در نهادهایی که برای صدور فتوا در نظر گرفته‌شده‌اند و شرایط تبلیغاتی که این قانون در آن صادر می‌شود و واقعیت خود نظام حاکم، روشن می‌شود که این گام چیزی نیست جز تلاشی تازه برای سلطه کامل بر دین، بسنن دهان‌ها و مصادره شریعت به سود حاکمیت؛ در چارچوبی که دین را در خدمت تبلیغ نظام و حمایت از سیاست‌های جانبیت‌کارانه داخلی و خارجی‌ان به‌کار می‌گیرد.

راه‌حل و جایگزین این هرج‌ومرج و فریب، تنها در برپایی خلافتی‌اشده بر منج نبوت است؛ خلافتی که سلطه دولت را از قاضی، مفتی، عالم، بلکه از خود علم و حتی از امت به‌طور کلی برمی‌دارد و حق اظهار حق، امر به معروف و نهی از منکر را به محاسبات بازمی‌گرداند.

ادامه: نتانیاهو و کابوس خلافت!

این خود نشانه‌ای است بر این‌که شرایط برای نتانیاهو در حال تنگ‌تر شدن است و پشتیبانی‌ها در حال کاهش تدریجی هستند و در همین چارچوب می‌توان سخن ترامپ را در هواپیمای ریاست‌جمهوری فهمید که گفت: «موضوع غزه مطرح شد و گفتیم: باید موضوع خوبی درباره غزه اتخاذ کنیم... این مردم در رخ‌اند». پس هرگاه نتانیاهو احساس کند که در سایه شدت وحشی‌گری جنگ و طولانی‌شدن آن، حمایت آمریکا و غرب در حال عقب‌نشینی است، دوباره به دامن زدن به هراس‌های غرب از عواقب امور و تساهل با مقوامان پناه می‌برد.

اما در واقعیت خودش می‌داند که رژیمش ناتوان‌تر از آن است که با امت یا تالش‌های جدی آن روبه‌رو شود؛ زیرا می‌باید که ارتشش فقط کودکان، زنان و پیرمردان بی‌دفاع را می‌کشد، خانه‌ها، مدارس، مساجد و مراکز پناه را بمباران می‌کند و با هیچ ارتشی روبه‌رو نیست؛ و می‌باید که با گذشت ۱۸ ماه و حمایت همه کشورهای جهان، در رأس آن‌ها آمریکا، آلمان، فرانسه و همه حکام مسلمان، هنوز نتوانسته‌اند جبهه غزه را که جز گروه اندکی از مجاهدان و هلنی بی‌دفاع و در محاصره در آن نیست، فیصله دهد؛ پس چگونه می‌خواهد در برابر یک ارتش از ارتش‌های مسلمانان تاب بیاورد؟!

ادامه : دو سال از جنگ بی‌پرده؛ سودا به کجا می‌رود؟!

آنجه امروز در جریان است، تأییدکننده همان چیزی است که در نخستین روز این جنگ لغتی به‌پرده گفتم: این‌که این درگیری بنا نیست به‌زودی با یک پیروزی نظامی قاطع پایان یابد، بلکه قرار است برای مدتی ادامه باشد. «وعدۀ الله پیشترو و جنبش‌بنی تا آمریکا بتواند اهداف خود را از این جنگ محقق کند؛ اهدافی که در درجه نخست کنار زدن مزدوران بریتانیا و اروپا از صحنه سیاسی سودان است و سپس شاید تسلط دادن مزدوران خود، یعنی نیروهای واکنش سریع، بر تمام دارفور؛ تا در صورتی‌که آمریکا بخواهد آن را جدا کند، در دست آنان باشد؛ اما دیگر مناطق سودان را به فرماندهان ارتش بسپارد؛ فرماندهانی که آمریکا می‌خواهد از آن‌ها بخواهد با رژیم یهود عادی‌سازی روابط کنند؛ امری که ترامپ در دوره ریاست‌جمهوری پیشین به‌جا داد و جیدار البرهان به چایتکار دوری نتانیاهو، در شهر عنتیبی اوگاندا، آغاز کرد.

در فوریه ۲۰۲۵ ما ندایی به مردم سودان را سودان خطاب کردیم تا در برابر آن سه‌گانه‌ای که در جنایت پیش رفته است که آمریکا با دست‌های مردان خود از فرماندهان ارتش سودان واکنش سریع در سودان به دنبال آن است، پایبندند: تجزیه کشور با جدا کردن دارفور پس از جداسازی جنوب؛ عادی‌سازی روابط با رژیم یهودی که سرزمین مبارک را اشغال کرده و در آن فساد می‌گستراند؛ و سپس این جنگ سوزانده میان مسلمانان. ما خواهان آتیم که کشور تنها یک ارتش داشته باشد؛ ارتشی که سلاح خود را به‌سوی قتل‌عامگر نشانه گیرد؛ و این همان پیروزی بزرگ است.

اکنون، از خلال این مقاله، بار دیگر نژاد خود را به فرزندان وفادار سودان تکرار می‌کنیم، به‌ویژه به افسران، درجه‌داران، سربازان، صاحبان اندیشه، رؤسای قبایل و عشایر؛ بایدید همگی برای نجات کشور و پادگان از افتادن در آغوش فشار استعمارگر، چه آمریکا باشد یا بریتانیا، تلاش کنیم. برای وحدت کشور در سایه خلافت راشده بر منبج نبوت کار کنید؛ خلافتی که در آن در دنیا عزیز شویم، خشنودی پروردگاران را به دست آوریم و در آخرت از عذاب او نجات‌یافته و مشمول رضوان او گردیم.

حزب‌التحریر / کنیا

خواستار حرکت ارتش‌های مسلمان برای برچیدن رژیم یهود اشغالگر شد

در سایه نسل‌کشی مداومی که رژیم یهود علیه مردم غزه مرتکب می‌شود، حزب‌التحریر / کنیا در روز ۱۸ آوریل، پس از نماز جمعه، تجمعاتی اعتراضی در شهرهای مومباسا و نایروبی برگزار کرد. در شهر ساحلی مومباسا، این تجمع مقابل مسجد النور و در نایروبی در مقابل الهادیه واقع در خیابان ایستلی برگزار شد. هدف اصلی این تجمع، ارسال ندایی گرم به ارتش‌های سرزمین‌های اسلامی بود تا تخریب‌هایی را که حاکمانشان بر دست و پای آن‌ها در پادگان‌ها نهاده‌اند، بگسلند و فوراً برای آزادسازی مسجدالاقصی مبارک از چنگل یهود غاصب وارد عمل شوند.

در پایان این تجمع، یک اجلاس خبری کوتاه درباره تجاوزات ادامه‌دار علیه مردم سرزمین مبارک برگزار شد. در این نشست خبری، استاد شعبان معلم، نماینده مطبوعات حزب‌التحریر در کنیا، استاد مهد علی، رئیس کمیته ارتباطات مرکزی حزب‌التحریر در کنیا و علی عمر، عضو دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر در کنیا، تأکید کردند که تنها دولتی که می‌تواند ارتش‌های مسلمان را با شجاعت در برابر ارتش رژیم یهود بسیج کند، دولت خلافت بر منبج نبوت است؛ چراکه این دولت توانایی درهم شکستن نخوت، استبداد و نژادپرستی یهود را دارد.

طرح مارشال؛ تله‌موش‌ها

استاد ابراهیم مشرف

این دیدارها و قوانینی که به سرمایه‌گذاری و پروژه‌های بازسازی مربوط می‌شود، پروژه‌هایی استعماری با پوشش «انسان‌دوستانه» یا «سرمایه‌گذاری» هستند که در قالب خصوصی‌سازی دارایی‌های عمومی همچون برق، آب، معادن، یا سرمایه‌گذاری در بخش راه‌ها از طریق وام‌های ریوی پیاده‌سازی می‌شوند. «پنیر رایگان فقط در تلموش پیدا می‌شود».

امروز بشریت نیازمند نظامی است که برای تمام ارزش‌هایی که بشر به آن نیاز دارد، اخلاقی، انسانی، روحی و مادی، وزن و اعتبار قابل باشد و این همان نظام اسلامی است که توسط دولت خلافت راشده بر منبج نبوت که به‌زودی به خواست الله سبحانه‌وتعالی برپا خواهد شد، اجرا می‌شود؛ نظامی که در آن روز، بشر همان‌گونه که در گذشته خوشبخت بود، بار دیگر به سعادت دست خواهد یافت.

در قرن نوزدهم و به‌طور دقیق بین سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۹، ایرلند با قطعی بزرگی روبه‌رو شد که به یکی از مهم‌ترین رویدادهای ثبت‌شده در تاریخ و حافظه مردم آن کشور تبدیل شد؛ این واقعه به «قطعی سیب‌زمینی» معروف است، چراکه پس از نابودی محصول سیب‌زمینی که غذای اصلی مردم بود، رخ داد. اوج این قطعی در سال ۱۸۴۷ بود، زمانی که مردم گرسنه مجبور شدند پزهایی را که برای کاشت سال بعد نگه‌داشته بودند، بخورند؛ و نیمی از محصول سال بعد نیز مجدداً نابود شد. در جریان این قطعی، بیش از یک‌میلیون ایرلندی به آمریکا مهاجرت کردند، درحالی‌که فرزندان طبقه فقیر چیزی جز ماندن در سرزمین خود نداشتند، و در محله‌ای به‌نام پینتر به تسلیم شدن در برابر مرگ شباهت داشت.

آن قطعی، نقطه عطفی در تاریخ ایرلند شد؛ کشوری که از سال ۱۸۰۱ تا ۱۹۲۲ استعماری است، می‌بست، مقرر دولت بریتانیا در لندن، اداره می‌شد و بخشی از پادشاهی متحد به‌شمار می‌رفت. آن قطعی و پیامدهایش به‌گونه‌ای پایدار چهره جمعیتی، سیاسی و فرهنگی جزیره را دگرگون ساخت، به‌طوری‌که به آوازی حدود دو میلیون نفر انجمنید و جمعیت کشور به‌مدت یک قرن رو به کاهش نهاد.

قطعی برای مدت طولانی در حافظه جمعی مردم ماند و روابط میان ایرلندی‌ها و دولت بریتانیا را دچار تنش کرد. مردم ایرلند دولت را مقصر دانستند و آن را به سهل‌انگاری متهم کردند؛ امری که بعداً موجب شکل‌گیری مسائل قومی و ملی می‌شد و ایرلند و دولت بریتانیا شد.

در آن دوره زمانی که اوج قطعی را در برداشت، یاری از جایی رسید که مردم هرگز انتظارش را نداشتند؛ از سوی خلافت عثمانی که هزاران کیلومتر با آن فاصله داشت؛ اما از آنجاکه ایرلند در آن زمان مستعمره بریتانیا بود، دولت بریتانیا از پهلوی گرفتن کشتی‌های کمگرسنان عثمانی در بندر دوبلین جلوگیری کرد. ازاین‌رو، کشتی‌ها در بندر دروهیدا که سی مایل با دوبلین فاصله دارد پهلوی گرفتند و محموله خود را در آنجا تخلیه کردند.

پس از پایان قطعی، اشراف و مردم عادی ایرلند نامه‌ای برای قحدرانی از سلطان عثمانی فرستادند. خبرگزاری آنتولی توانسته است نسخه‌ای از این نامه پیدا کند.

در بخشی از نامه آمده است: ملت ایرلند و اشراف امضاکننده این نامه، مراتب سپاس و قدردانی همیانه خود را به پیشگاه وایقام سلطان عبدالعجید به‌ظاهر کرم و احسان او نسبت به ملت گرفتار در قطعی ایرلند اعلام می‌دارند و از کمک سخاوتمندانه هزار پوند استرلینگ ایشان که در راستای تأمین نیازهای ملت ایرلند و کاستن از درد و رنجشان اهدا شد، همیانه تشکر می‌کنند. در ماه مه سال ۲۰۰۶ و هم‌زمان با جشن هشتصدمین سالگرد تأسیس شهر دروهیدا، شهرداری این شهر با نصب یک لوح سپاس بزرگ بر دیوار ساختمان قدیمی خود جایی که ملوانان عثمانی در جریان قطعی در آن اسکان‌یافته بودند، یاد آن رویداد تاریخی را گرامی داشت.

ایرلندی‌ها همچنین کمک‌هایی از کشورهای مختلف جهان دریافت کردند، از جمله، ونزولا، استرالیا، آفریقای جنوبی، مکزیک، روسیه و ایتالیا، به‌علاوه سازمان‌های مذهبی و انجمن‌های امدادریسان.

زمانی که سلطان عثمانی از وقوع قطعی در ایرلند باخبر شد، تصمیم گرفت ده‌هزار پوند استرلینگ برای کمک به ملت ایرلند بفرستد؛ اما ملکه ویکتوریا که در آن زمان ملکه بریتانیا بود، تنها دوهزار پوند برای ملت ایرلند که زیر سلطه‌اش قرار داشت، ارسال کرد.

برای حفظ وجهه بریتانیا، دولت آن از دولت عثمانی خواست که مبلغ کمک را به هزار پوند کاهش دهد. سلطان عثمانی با این درخواست موافقت کرد، اما علاوه بر آن، سه کشتی حامل غدا، دارو و بذرهای موردنیاز کشاورزی نیز فرستاد.

چنین بود که ما در آن زمان بودیم و چنین نیز باید باشیم در سایه خلافت راشده دوم بر منبج نبوت که به‌زودی، به خواست الله سبحانه‌وتعالی، برپا خواهد شد.

در ۵ ژوئن ۱۹۴۷، وزیر امور خارجه آمریکا، جورج مارشال، در دانشگاه هاروارد سخنرانی‌ای ایراد کرد که در آن، برنامه‌ای را برای کمک به بازسازی اروپای ویران‌شده از جنگ ارائه نمود؛ برنامه‌ای که به نام «طرح مارشال» شناخته شد.

شایان‌ذکر است که جنگ جهانی دوم که به‌تازگی در آن زمان پایان‌یافته بود، خساراتی سنگین از نظر اقتصادی، مادی و جمعیتی به تمام کشورها بدون استثنا وارد کرده بود و همه آن‌ها به شرایط اقتصادی بسیار دشواری دست‌وپنجه نرم می‌کردند. تنها کشوری که نسبتاً با سهولت و حتی با سودهایی از این جنگ عبور کرد، ایالات‌متحده آمریکا بود.

در نتیجه این جنگ، اقتصاد آمریکا حدود ۲۰٪ از تولید منتهی و بیش از ۳۰٪ از صادرات کشورهای غربی را به اختیار گرفت و همچنین حدود ۷۰٪ از ذخایر طلای جهان را در اختیار داشت و این فرصت برای آمریکا فراهم شد تا چگونگی تنظیم وضعیت اقتصادی در اروپای پس از جنگ را تعیین کند.

در آن زمان، دو جناح سیاسی در آمریکا با یکدیگر رقابت می‌کردند: نخست، جناح تندرو با مداخله‌گر که مارشال از آن‌ها بود و دوم، انزواگرایان جدید که خواهان محدود کردن دخالت به نیک‌فرمای غربی بودند.

در نهایت، گرایش نخست غالب شد، با آن‌که دومی از حمایت هنری والاس، معاون پیشین رئیس‌جمهور آمریکا، برخوردار بود.

مارشال پیشنهاد کرد که مبلغی هنگفت در آن زمان حدود ۱۳ میلیارد دلار به اروپا اهدا شود. با این مبلغ، عملاً بازارهای بسیاری از کشورهای از سفر وجود داشت. برای تعیین میزان دریافتی هر کشور، آمریکا‌ها کمک‌های ویژه برای کمک‌های اقتصادی تشکیل دادند که در کشورهای اروپایی همکاری می‌کرد تا مقدار کمک‌ها را مشخص کند.

این کمک‌ها بر اساس نیاز کشورها و تعداد جمعیتشان بین کشورهای بلوک غرب توزیع شد؛ به‌طوری‌که بیشترین سهم به بریتانیا رسید، سپس فرانسه و پس‌از آن آلمان غربی؛ اما کشورهای تحت نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، از این کمک‌ها محروم شدند. چراکه خود شوروی از مشارکت در این طرح سر باز زد و کشورهای بلوک شرق را نیز از بهره‌مندی آن منع کرد.

دقیقاً طبق قاعده «وام و اجاره» که در زمان جنگ برای ارسال کمک‌ها به شوروی اعمال می‌شد و بر بازپرداخت کمک‌ها تأکید داشت تجهیزات و سلاح‌هایی که در طول جنگ به شوروی داده‌شده بود، به آمریکا بازگردانده شد و کشورهای اروپایی به بازاری سودآور و نوعی مستعمره آمریکا بدل شدند.

بیشتر کمک‌ها شامل سوخت، محصولات و تجهیزات کشاورزی بود؛ بدین معنا که سود آن‌ها در نهایت به خود آمریکا بازمی‌گشت و این‌همه‌گرم‌تر بر اقتصاد آمریکا رشد می‌بخشید.

امروزه، طرح‌های مارشال زیادی در کشورهای مختلف جهان در جریان است؛ از جمله در اوکراین، در قالب توافق ترامپ با پوتین، یا طرح‌هایی که اروپا برای بازسازی اوکراین پیشنهاد داده است؛ چنان‌که اولا ف شولنس، صدراعظم آلمان، اخیراً در بیش از یک نشست اعلام کرده است که غرب در تلاش است تا این اجزای «طرح مارشال قرن بیست‌ویکم»، به اوکراین کمک کند.

اما سودان، نزاع در آن میان قدرتهای استعمار کهن (اروپا) و استعمار نوین (آمریکا) به‌روشنی در جنگ به‌پرده میان دو ژنرال، البرهان و حمیدی، نمایان است. هر دو سوی این استعمار، آمریکا و اروپا، روش کمک‌های انسانی را به‌عنوان ابزاری برای دخالت در امور داخلی کشور به‌کار گرفته‌اند. اکنون‌که جنگ رو به پایان است، با پروژه‌ای استعماری جدید به نام پروژه‌های بازسازی پس از جنگ «وارد معصه شده»، وزیر دارایی سودان با فرستاده اروپایی درباره مشارکت اروپا در بازسازی سودان گفت‌وگو کرده است. همچنین ژانانس همکای بین‌المللی ژاپن (جایک) نیز تعایل خود را برای مشارکت در بازسازی سودان ابراز کرده و در جیدار با دکتر جبریل ابراهیم، تعهد داده است که به بازسازی آنچه در جنگ ویران‌شده، کمک کند. شایان‌ذکر است که هیئت سودانی که در ماه مارس گذشته به اروپا سفر کرده بود، همچنان به دیدارهای خود ادامه می‌دهد و به مرکز عملیات انسان‌دوستانه در وزارت خارجه فرانسه و نیز مسئولان امور انسان‌دوستانه در وزارت خارجه نروژ دیدار کرده است.

مرکز عملیات انسان‌دوستانه، یکی از بزرگ‌ترین نهادهایی است که از سازمان‌های بین‌المللی فرانسوی فعال در حوزه کمگرسانی در مناطق مختلف جهان حمایت می‌کند و در کنار آن، پشتیبانی‌ها را برای مناطق بحرانی هدایت می‌نماید. در این دیدارها، نقش نهادهای مرتبط با کار انسان‌دوستانه در سودان بررسی شد، از جمله تسهیل مراحل اجرائی، اعطای روادید، مجوزهای تردد، معافیت‌های گمرکی و مالیاتی و دیگر اقدامات مربوط به فعالیت‌های بشردوستانه. پایان، از همه سازمان‌های بین‌المللی و فعالان عرصه انسان‌دوستانه حاضر در سودان خواسته شد که با اختیارات اعطاشده خود پایبند دیدارها و از چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های حاکم بر فعالیت‌های بشردوستانه در سودان نخطی نکنند. همچنین هشدار داده شد که برخی سازمان‌ها از اختیارات خود فراتر رفته‌اند.

اعتراضات «دست‌تان را کوتاه کنید!»؛ شورشی علیه نخبگان اقتصادی در آمریکا

دکتر ایوان ابو ابراهیم

ایوان ابو ابراهیم، دکتر اقتصاد، مدیر گروه اقتصاد و توسعه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، در جریان سخنرانی در تهران، ۲۰۲۵

در پنجم آوریل ۲۰۲۵، ده‌ها هزار آمریکایی در بیش از هزار تجمع اعتراضی در تمامی پنجاه ایالت آمریکا به خیابان‌ها و میدان‌های عمومی آمدند و با شعار «دست‌تان را کوتاه کنید!» خواستار تغییری جمعی شدند. صد خانواده از میلیاردرها در انتخابات ۲۰۲۴ میلیی معادل ۲/۶ میلیارد دلار کمک مالی کردند که ۷۰ درصد آن به جمهوری‌خواهان، از جمله دونالد ترامپ، اختصاص یافت؛ امری که نفوذ آنان بر سیاست‌ها را تقویت کرد. از چمن‌زار مقابل بنای یادبود واشنگتن در پایتخت با تالارهای آرام شهرداری در اوهایو، معترضان خشم خود را از نظام سیاسی‌ای ابراز کردند که آن را خدمت‌گزار ثروتمندان به بهای مصالح عمومی می‌دانند. سازمان‌دهندگان تعیین زنده که صدها هزار نفر در این اعتراضات شرکت کردند. این رویدادها، دولت رئیس‌جمهور دونالد ترامپ را هدف قرار دادند و او را نمادی آشکار از سلطه اقتصادی تومسیف کردند؛ معترضین اغلب آن را با عنوان «تصاحب الیگارشی قدرت» یاد می‌کردند. بدون داشتن رهبری ورید، این اعتراضات پرده از ناراضی‌های عمیق مردم آمریکا، از حکومتی برداشت که به نظر می‌رسد ثروتمندان را بر دیگران ترجیح می‌دهد: ناراضی‌هایی که در پی ده‌ها بی‌اعتمادی اثبات‌شده ریشه دارد و در نتیجه سیاست‌های اخیر شدت یافته است.

آمریکایی‌ها همواره به این گمان مشغول بوده‌اند که مسئولان منتخبشان منافع ثروتمندان را بر انسان عادی مقدم می‌دارند. نظرسنجی‌ها از فرسایش مداوم اعتماد عمومی به نهاده‌ها حکایت دارند؛ زیرا بسیاری بر این باورند که منافع شرکت‌های بزرگ، بر روند سیاست‌گذاری سلطه است. اعتراضات «دست‌تان را کوتاه کنید!» این احساس را تشدید کرد: معترضان ترامپ و مشاورش ایوان ملسک را «الیگارش»-هایی که خودنند که ملت را به‌سوی منافع شخصی سوق می‌دهند. آنان به اخراج ۱۲۱،۳۶۱ کارمند فدرال تا تاریخ ۲۸ مارس، به گزارش شبکه CNN اشاره کردند و این اقدام را گامی در راستای تضعیف خدمات دولتی به‌سود بوجهایی‌دانندند که اعضا می‌شود در خدمت منافع خاص هستند. همچنین، تعرفه‌هایی که در اول آوریل وضع شدند، موجب ناآرامی‌های بیشتر شدند؛ معترضان این تعرفه‌ها را علت کاهش بازار سهام دانستند که بوجه خود خانواده‌ها را تهدید می‌کند. درآلی که منابع خاصی را محافظت می‌نماید. اصطلاح «الیگارش» در این اعتراضات به نقطه عطفی اشاره کرد که ناراضی‌های عمومی را به روایتی از مبارزه طبقاتی میان مردم عادی و اقلیتی ممتاز تبدیل کرده است.

مطالبات معترضان با شفافیت بیان‌شده‌اند و همگی بر عدالت اقتصادی تمرکز دارند. نخست، آنان خواهان توقف آنچه «تصاحب قدرت توسط میلیاردرها» می‌نامند، هستند. بهری ملسک بر «بخش بهره‌وری دولت» نهاد تازه تأسیسی که با هدف کاهش به‌دست آورده‌اند. دولتی فدرال راه‌اندازی شده هدف انتقاد قرار گرفته است. بسیاری آن را ابزاری برای انتقال منابع عمومی به‌سوی ثروت‌های خصوصی می‌دانند. بازنشستگان و اعضای اتحادیه‌ها نسبت به آینده تأمین اجتماعی، تکیه‌ها حیاتی ۷۲ میلیون آمریکایی ابراز نگرانی کردند؛ چراکه می‌ترسند کاهش‌هایی در راه باشد تا زمینه کاهش مالیات برای نخبگان فراهم شود. در گردهمایی‌های تکراری و ویرجینیا، کنهسبرایران پاکاردایی در حمایت از حقوق بازنشستگی خود در دست داشتند؛ حقوقی که از رهگذر سال‌ها خدمت به‌دست آورده‌اند. دومین مطالبه معترضان، پایان دادن به سیاست‌هایی بود که به کارگران آسیب می‌زند. آن‌ها همچنین یورش‌های مهاجرتی را مورد انتقاد قرار دادند و آن‌ها را اقدامی انحرافی دانستند که توجهات را از ایجاد شغل و افزایش دستمزد منحرف می‌کند. از نگاه معترضان، این نگرانی‌ها حکایت از نظامی دارد که پیوسته به‌سوی ثروتمندان متمایل است؛ الگویی که آن را در دولت‌های مختلف تکرار‌شونده می‌بینند.

ایوان ابو ابراهیم، دکتر اقتصاد، مدیر گروه اقتصاد و توسعه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، در جریان سخنرانی در تهران، ۲۰۲۵

توافق‌نامه کمپ دیوید جانیی بزرگ و سیاسی است

وِسیایات القدس العریبی روز سَه‌شَمنه ۱۵ آوریل ۲۰۲۵ میلادی گزارش داد که نماینده مصطفی بکری درخواستی رسمی برای استیضاح وزیر خارجه مصر ارائه کرده و خواستار توضیح درباره نقش بندهای توافق‌نامه صلح از سوی رژیم بیهود بنده است. به‌ویژه پس از عملیات «طوفان الناصح» و تأکید کرد که رژیم بیهود دیدگاه توافق‌نامه را نقض کرده و راحل سه‌ساله‌استام‌آزم مبتنی بر قطعه‌نامه‌های ۳۳۸ و ۲۴۴ شورای امنیت را در نودوه و معینان به شهرک‌سازی و تسلط بر شرق قدس ادامه می‌دهد. همچنین ایوزنسیون مصر بارها خواستار تعلیق توافق‌نامه، به‌ویژه پس از اشغال مجدد محور ملاح‌الدین، شده‌اند.

تعلیق توافق‌نامه کمپ دیوید خنجر در پهلوی امت است. گزارش‌های زیادی بیان کرده‌اند که بندهای این توافق‌نامه صرفاً نظامی یا امنیتی نبوده، بلکه ادعای‌سازی اقتصادی را نیز دربر داشته است؛ از جمله توافق‌نامه «کویر» به محصولات معدنی را به منطقه‌های بیهودی وابسته کرد. در آن توافق‌نامه‌های گازی که مصر را گروگان واردات گاز از رژیم بیهود نمود و آن را یک کشور صادرکننده به واردکننده انرژی تبدیل ساخت. همچنین امنیت ملی و ثبات صنعتی آن آتش و نوبت؛ بنابراین، مشکل در نقض بندهای توافق‌نامه نیست، بلکه در اصل وجود آن است. این توافق‌نامه، سندی از سر تسلیم است میان استعمارگری اشغالگر و رهبری خاند که با فروش زمین، گرامت و حاکمیت، بقای خود بر قدرت، دریافت کمک‌های مالی و تمجید غرب را خریداری کرد.

توافق‌نامه کمپ دیوید خنجر در پهلوی امت است. گزارش‌های زیادی بیان کرده‌اند که بندهای این توافق‌نامه صرفاً نظامی یا امنیتی نبوده، بلکه ادعای‌سازی اقتصادی را نیز دربر داشته است؛ از جمله توافق‌نامه «کویر» به محصولات معدنی را به منطقه‌های بیهودی وابسته کرد. در آن توافق‌نامه‌های گازی که مصر را گروگان واردات گاز از رژیم بیهود نمود و آن را یک کشور صادرکننده به واردکننده انرژی تبدیل ساخت. همچنین امنیت ملی و ثبات صنعتی آن آتش و نوبت؛ بنابراین، مشکل در نقض بندهای توافق‌نامه نیست، بلکه در اصل وجود آن است. این توافق‌نامه، سندی از سر تسلیم است میان استعمارگری اشغالگر و رهبری خاند که با فروش زمین، گرامت و حاکمیت، بقای خود بر قدرت، دریافت کمک‌های مالی و تمجید غرب را خریداری کرد.

توافق‌نامه کمپ دیوید خنجر در پهلوی امت است. گزارش‌های زیادی بیان کرده‌اند که بندهای این توافق‌نامه صرفاً نظامی یا امنیتی نبوده، بلکه ادعای‌سازی اقتصادی را نیز دربر داشته است؛ از جمله توافق‌نامه «کویر» به محصولات معدنی را به منطقه‌های بیهودی وابسته کرد. در آن توافق‌نامه‌های گازی که مصر را گروگان واردات گاز از رژیم بیهود نمود و آن را یک کشور صادرکننده به واردکننده انرژی تبدیل ساخت. همچنین امنیت ملی و ثبات صنعتی آن آتش و نوبت؛ بنابراین، مشکل در نقض بندهای توافق‌نامه نیست، بلکه در اصل وجود آن است. این توافق‌نامه، سندی از سر تسلیم است؛ از نگاه معترضان، این نگرانی‌ها حکایت از نظامی دارد که پیوسته به‌سوی ثروتمندان متمایل است؛ الگویی که آن را در دولت‌های مختلف تکرار‌شونده می‌بینند.

سال نابودی طاغوت‌ها و شروط نصرت الهی

استاد احمد الصورانی

استاد احمد الصورانی، مدیر گروه اقتصاد و توسعه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، در جریان سخنرانی در تهران، ۲۰۲۵

و شما را در زمین جانشین (آنان) سازد. آنگاه بنگرد چگونه عمل کنید».

آری، حضرت موسی علیه‌السلام به امکان نابودی قرون اشاره کرد، اما مشروط به میر و استعانت از الله

سیحان‌وعالی و حرکت بر مبنای راهنمایی‌های الهی. سپس دستور الهی آمد که موسی و قومش از مصر فرار کنند و رو به‌سوی دریا گریزند؛ جایی که محل نابودی قرون و لشکرش بود. چراکه الله سبحانه‌وعالی آنان را غرق ساخت

و موسی و مؤمنان همراه او را نجات داد. قرون و هامان و سپاهیان‌شان هلاک شدند و نظام ضدخدایی آنان فرو ریخت و راه برای مؤمنان و پیامبران موسی علیه‌السلام هموار شد تا به مصر بازگردند و الله

سیحان‌وعالی آن‌ها را به تمکین برساند، وارث زمینشان گردند و آنان در زمین خلافت یابند تا به‌حکم شریعت الله سبحانه‌وعالی میان مردم عدالت را برپا دارند.

اما بنی‌اسرائیل، در مسیر بازگشت خود، نعمت بزرگی را

به‌حکم الله سبحانه‌وعالی با نابودی دشمن‌شان و اعطای ملک تمکین در زمین بر آنان ارزانی داشت؛ شکر نکردند؛ بلکه به‌محض غیبت کوتاه حضرت موسی علیه‌السلام برای ملاقات با پروردگارش در کوه طور کوسالم‌پرستی کردند. نتیجه‌چرا بود؟ الله سبحانه‌وعالی بر آنان خشم گرفت و سرگردان‌چرا بر آنان مقرر ساخت: «ازین‌سنهٔ یتیمون فی الارض» «چهل سال در زمین سرگردان خواهید بود» و این‌گونه سنت الهی در حق آنان جاری شد؛ ملک از ایشان گرفته شد و به کفر ناسپیش‌شان، دچار پرانگدگی، تفرقه و سرگشتگی شدند. در اینجا، درس روشنی برای رهبران اداره جدید در سوره نه‌فهد است؛ اینکه نصرتی که اکنون از آن بهره‌مند شده‌اند، پیروزی‌ای موقتی است و به‌شرطی که تمکین دادم بدل می‌شود که شرم از محقق گردد؛ این‌که حاکمیت از الله باشد، حدود به شریعت الله سبحانه‌وعالی جاری شود و خلافتی راشده بر منج نبوت اعلام گردد که در

خلیفانی بر اساس کتاب الله سبحانه‌وعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در امر حکومت بیعت شود؛ اما آنچه امروز می‌بینیم از بازتولید نظام پیشین، رجوع به قانون اساسی وضعی و ناگزیرانی کشور به «جمهوری عربی سوریه» عفاک‌دی است که ظلم از نو زنده می‌کند و در فسادک‌های اقلیت‌پان‌ها بر به هدر می‌دهد، نیست و همچنان‌که بنی‌اسرائیل پس از نجات از ظلم قرون، امانت را تحویل کردند و کوسالم‌پرستی نمودند.

تمکین، بخششی الهی است و هم‌زمان آرمونی بزرگ؛ پس با آن‌که کسی که به جایگاه حکومت می‌رسد، امانت را به‌بجوی ادا می‌کند، حکم الله سبحانه‌وعالی و عدالت را برپا می‌دارد و در نتیجه، الله سبحانه‌وعالی قدهای‌ها از او مبارک می‌گرداند. به‌تاریخی نصرت را بر او نگشاید؛ یا آن‌که همان خطاهای پیشینیان را تکرار می‌کند و به نتیجه، فهم تلخ سرگردانی و ادا می‌کند؛ قوه‌ها چندید. فرصت امروز میبست و مرحله، مرحله‌ای سررونشست‌ساز است؛ به مسیر موسی علیه‌السلام و پیروزی در دنیا و آخرت، با تکرار خطاها و گناه‌های بنی‌اسرائیل و در پی آن، زیان آشکار و رسوایی در دنیا و آخرت!

هستی از من نشأت‌اندر / ولایت‌خوار از دکتر مجاهد هارون دیدار کرد

هیبتی از دکترالتحریر / ولایت سودان، به سرپرستی استاد ابراهیم عثمان (ابوخلیل)، سخنگوی رسمی حزب‌التحریر در ولایت سودان و همراهی استاد عبداللّه اسماعیل، عضو کمیته ارتباطات مرکزی حزب‌التحریر در ولایت سودان، روز پنج‌شنبه ۲۵ شوال ۱۴۴۶ هجری، برابر با ۲۳ آوریل ۲۰۲۵ میلادی، از استاد دکتر مجاهد هارون محمد، عضو هیئت علمی ولایت بحر شرق، در دفتر کارش دیدار کرد.

در این دیدار، درباره مشکلات مسلمانان و چگونگی حل آن‌ها گفت‌وگو شد. استاد ابوخلیل دیدگاه حزب‌التحریر در خصوص چگونگی حل مشکلات مسلمانان را ارائه داد و تأکید کرد که این مشکلات نتیجه نبود اسلام بمعتوان رهبری فکری امت است و این امر تنها در سایه وجود دولت و سلطه‌ای مبتنی بر اسلام عظیم می‌شود. چراکه از زمان فروپاشی دولت خلافت که بیش از صد سال از آن می‌گذرد، سرزمین‌های اسلامی به کشورهای غربی ملی و تابع تقسیم‌شده‌اند؛ کشورهای که بر پایه اسلام بنا شده‌اند، بلکه بر اساس نظام‌های استعماری غرب کافر پایمگذاری شده‌اند و عملاً سیاست‌ها و توطئه‌های آن را علیه امت اسلامی اجرا می‌کنند. آنچه اکنون در فلسطین می‌گذرد، پرتین نمونه‌ای از کوتاهی حکام این نظام‌های شرار است که در باری‌پرستی به مستضعفان فلسطین سستی کرده‌اند و آنان را در برابر ماشین وحشیانه رژیم بیهود و غرب کافر مستعمر رها کرده‌اند. ازاین‌رو، بر داعیان، حامان دعوت اسلامی، امامان و علمای دین لازم است که باندند وظیفه اصلی آنان در این برهه، سخن گفتن درباره مسئله سررونشست‌ساز امت است؛ یعنی برپایی سلطه‌ای برای اسلام از طریق تأسیس خلافت راشده بر منج نبوت تا امت از نو برخیزد.

واکنش دکتر مجاهد نسبت به این طرح، مثبت بود. او گفت که در حال حاضر هیچ دولتی را نمی‌بیند که بر اساس اسلام باشد؛ باند و وظیفه امت را تلاش برای برپایی سلطه‌ای برای اسلام دانست؛ چراکه به باور او، هیچ‌گاه این امت به نواخده خاست و هیچ عدالتی تحقق نخواهد یافت، مگر اینکه دولتی بر پایه اسلام تأسیس شود. وی در پایان این دیدار، دکتر مجاهد بر ادامه ارتباط تأکید کرد و گفت، منابر ما به سوی شما گشوده است. همچنین اظهار داشت که از دیرباز حزب‌التحریر را می‌شناسد و روابط قوی با جوانان آن دارد.

وقتی ماشین کشتار آمریکا پشت شعارهای «همکاری» و «دوستی ابدی» پنهان می‌شود

«بخش امور عمومی ناوگان ششم نیروی دریایی آمریکا» در بیانیه‌ای که از سوی سفارت آمریکا در تونس منتشر شد، اعلام کرد که ایالات‌متحده آمریکا دو فروند مشاور گشتی از نوع «آیلند» به طول ۳۴ متر را به تونس تحویل داده است؛ آن‌هم در چارچوب «شراکت دریایی آمریکا‌تونس» که بنا به ادعای این بیانیه، سپاه‌های ۲۲۰ ساله دارد. و واکنش به این بیانیه آنکده از فریب، دفتر رسانه‌های حزب‌التحریر / ولایت تونس در بیانیه‌ای طعوانی تأکید کرد:

تحویل این دو شناور از سوی آمریکا به نیروی دریایی تونس، در راستای خدمت به اهداف آمریکا در کشور ما و در منطقه صورت گرفته و بر اساس همان «تعهد راسخ به حضور دریایی و شراکت در سراسر جهان» که آمریکا به آن پایبند است، انجام‌شده است.

دوم، اینکه تحویل این دو شناور به مناسبت دوپست‌ویبست‌سالگی شراکت دریایی آمریکا‌تونس صورت گرفته، افزایش است آشکار و تحریکی از تاریخ. کشور ما بخشی از امتی ریشه‌دار است؛ یعنی امت اسلامی و روابط خارجی آن در طول این ۲۲۰ سال مورداشاره، در چارچوب روابط دولت خلافت عثمانی با دیگر ملت‌ها و کشورها قرار می‌گرفت.

سوم، این اقدام تحویل، بخشی از استراتژی استعماری و سلطه‌جویانه آمریکا است؛ به‌ویژه پس‌آن‌که کشور ما به انصاف استراتژیک با آمریکا خارج از چارچوب ناتو ملحق شد و بدین ترتیب سرزمین و بندرگاه‌های ما به‌راحتی در اختیار او قرار گرفت، در چارچوب همان تعهد ادعایی‌اش به «حضور دریایی و شراکت جهانی». این بیانیه طعوانی در پایان خطاب به مردم تونس اعلام کرد؛ جای بسی اندوه است که نیروهای امت، شاهنمیشانه در رزمایش‌های نظامی پلید آمریکا شرکت داده می‌شوند و دردناکانه و خشن‌بارانگیزتر آن که دشمن آمریکایی با خطبه‌های فربیکارانه و عواقرپزینانه، به ریش امت ما بخندد؛ امتی که از کاشکش رختی و خسته است، حکامی که آن را به‌سوی خواری و ناوانی کشانند. این وضعیت جز با بازگشت به حاکمیت اسلام در سایه خلافت بر منج نبوت، برپیده نخواهد شد و قطعاً فردای آن، نزدیک است.